

تشیع در دوره آل بویه

علی زواری

دبیر تاریخ - شهرستان نقده

کلیدواژه‌ها: تشیع، آل بویه، خلیفه عباسی.

مقدمه

دولت آل بویه برجسته‌ترین دولت شیعی و ایرانی نژاد بود که در حدود ۱۳۰ سال (۴۴۷ - ۳۲۰ هـ. قمری) بر بخش بزرگی از ایران و عراق تا مرزهای شام فرمان می‌راند. این دولت که خود برآمده از جنبش‌های استقلال طلبانه ایرانیان بود و در پی ظهور دولت‌های مستقل و نیمه مستقل پدید آمد خود از بزرگ‌ترین عوامل ضعف خلافت عباسی، و تغییرات بنیادی در نهادهای سیاسی و دینی و اقتصادی آن روزگار شد.

اساساً شیعیان عراق انسجام خود را در برابر اکثریت سنی مذهب، مدیون غلبه بوئیان بودند که برخی از رسوم شیعه را بنیاد نهادند.

قلمرو آل بویه در عهد عضدالدوله به نهایت گسترده‌گی و وحدت سیاسی رسید؛ به طوری که عراق و سراسر ایران تا رود سند (به استثنای خراسان و سیستان که متعلق به سامانیان بود) تابع آن دولت گشت و در شبه جزیره عربستان نیز از عمان تا سرزمین دور

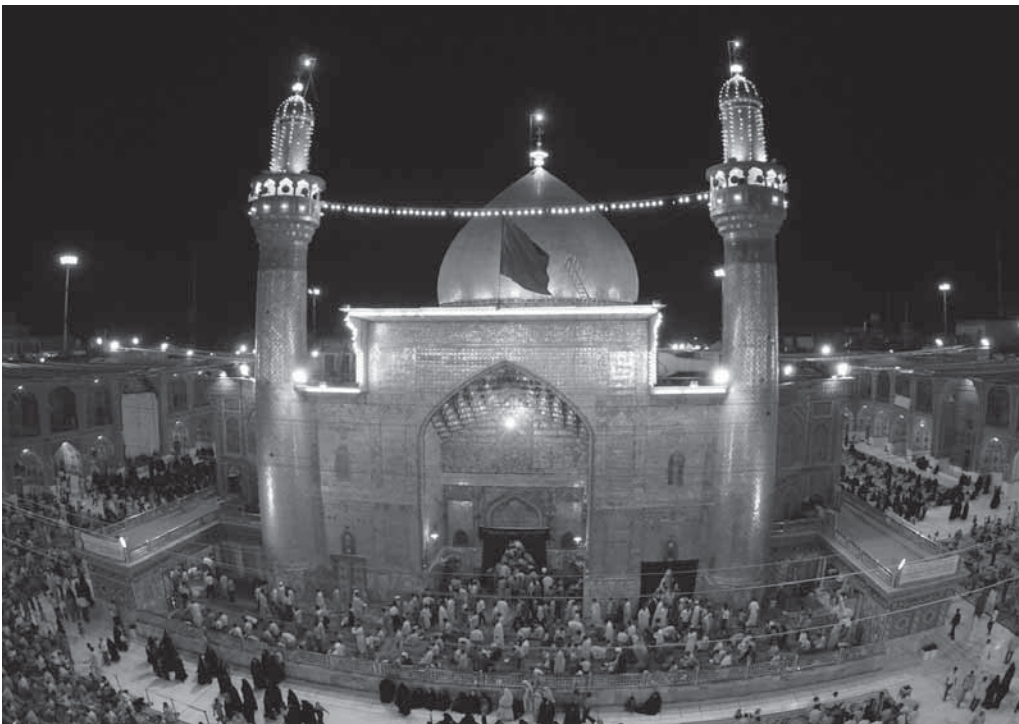
دست یمن تحت فرمان آل بویه درآمد. ابن خلدون می‌نویسد: «آل بویه صاحب دولتی چنان عظیم شدند که اسلام بر سایر امت‌ها بدان مباحثات می‌کند» [خسروی، ۵۲]. حکومت آل بویه (۴۴۷ - ۳۲۰) بر ایران و عراق بیش از یکصد و بیست سال طول کشید. در این مدت حکمران واقعی و تصمیم گیرنده حقیقی، امرای آل بویه بودند و خلفای بغداد از خود چندان اختیاری نداشتند و بازپچه‌ای در دست آنان به حساب می‌آمدند. [همان، ۵۳].

از میان امرای آل بویه عضدالدوله اول کسی است که خود را پادشاه خواند. وی که در سال ۳۵۶ هجری به حکومت رسید، با دانشمندان رفتاری خوش داشت و نسبت به مقام شامخ علی بن ابیطالب (علیه السلام) از خود کرنش خاصی نشان می‌داد. بقعه مبارکه امام علی (ع) در نجف و امام حسین (ع) در کربلا را به طرز با شکوهی تعمیر کرد، و در اطراف شهر مدینه نیز حصار کشید. عضدالدوله همچنین برای شیخ مفید، عالم برجسته شیعی زمان خود، احترام قائل بود و به دیدنش می‌رفت.

ابوطاهر (جلال الدوله): سیزدهمین امیر آل بویه نیز پس از درگذشت مشرف الدوله، برادرش جلال الدوله جانشین او شد و مدت ۱۷ سال پادشاهی کرد و در شعبان سال ۴۳۵ هجری درگذشت. جلال الدوله چنان به اهل بیت و ائمه شیعه علاقه داشت که پیوسته به زیارت مرقد امام اول و امام سوم شیعیان می‌رفت و چون به یک فرسخی شهر می‌رسید، پیاده می‌شد و خود را پا برهنه به حرم می‌رساند.

تشیع در عهد آل بویه

از اوایل قرن چهارم هجری به تدریج شکوه و جلال خلافت سلسله عباسیان افول کرد، وحدت حکومت درهم شکست و قدرت و نفوذ آن به ضعف و ناتوانی



گنبد و بارگاه امام علی (ع)



فاصله را پیمود.» [ابن اثیر، ۵۰۹۱] پادشاهان آل‌بویه علاوه بر این که خود به زیارت کربلا، نجف و کاظمین می‌رفتند برای امام زادگان و علویان نیز نذر می‌کردند و غالباً وصیت می‌کردند که اجسادشان را در جوار یکی از آنها و مراقد ائمه به خاک بسپارند.

پیامدهای اقتدار تشیع در دوره آل‌بویه

۱. تبدیل شدن عراق به یکی از کانون‌های شیعه بویژه آزادی عمل یافتن شیعیان محله شیعه‌نشین کرخ در بغداد.
۲. اعلام روز عاشورا به عنوان روز عزای عمومی و اجرای شعائر مربوط به آن و رفع سنن ناپسند بنی‌امیه.
۳. اعلام شادمانی در روز عید غدیر خم، روز جانشینی حضرت علی(ع) به جای حضرت محمد(ص) به نشانه دل بستگی به علی(ع).
۴. تجدید بنای مقابر ائمه اطهار و آباد نمودن نجف اشرف و تعیین اموال وقف برای اماکن متبرکه بویژه برای امام حسین(ع) و تامین آسایش زائران.
۵. شوق روز افزون شیعیان به زیارت مقابر امامان از جمله تشویق به سفر زیارتی به مشهدالرضا که بعدها در عصر صفوی، شاهان نام‌آوری همچون شاه عباس اول به همراه متفکران نخبه‌شیعی همانند شیخ بهایی

نمود و به‌ندرت اتفاق می‌افتاد که شیعیان بتوانند شعائر خود را ظاهر سازند اما از زمان تسلط آل‌بویه بر عراق و کاستن از اختیارات خلیفه فعالیت‌ها و شعارهای شیعه، کم‌وبیش آزاد و علنی شد.

ابن جوزی می‌نویسد: در سال ۳۵۲ معزالدوله مردم را به اقامه مراسم عاشورا بزرگ‌ترین روز شیعه امر کرد. شیعیان نیز بازارها را بستند و خرید و فروش موقوف شد. قصابان ذبح نکردند و آشپزها غذا نپختند و سقاها از کار باز داشته شدند. در بازارها قبه‌هایی برپا شد، پرده‌ها را در آویختند و مردم عزادار با موی آشفته و صورت‌های سیاه کرده و گریبان‌های چاک‌زده، نوحه‌کنان و بر سر و صورت زنان، در شهر به گردش درآمدند. مراسم سوگواری شهادت امام حسین(ع) نخستین بار همراه با عزاداری عمومی در روز دهم محرم این سال برگزار شد.

«در سال ۴۳۱ جلال‌الدین (نوه عضدالدوله) با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت مرقد مطهر امام حسین(ع) رهسپار کربلا و نجف شد. در کربلا، وی قبل از ورود به محدوده حرم امام حسین پا برهنه شد و در نجف نیز از خندق شهر تا حرم امیرالمومنین(ع) که یک فرسنگ فاصله بود، پیاده شد و با پای برهنه این

گرابید. این ضعف از هنگامی آغاز شد که ایرانیان بر خلفای عباسی چیره شدند و مناصب بزرگ دولتی را به‌دست گرفتند و بدان رنگ ایرانی دادند و موقعیت عرب را متزلزل ساختند.

شیعه در دوره عباسی

اگر چه وضع شیعیان پس از انقراض امویان و روی کار آمدن عباسیان روبه بهبود رفت اما چیزی نگذشت که وضع به صورت سابق برگشت و شیعیان مورد تعقیب و آزار خلفای عباسی قرار گرفتند.

عقیده شیعه این بود که خلافت حق آل‌علی(ع) است ولی بنی‌عباس همچون بنی‌امیه، آن را غصب کرده‌اند. از این رو شیعیان از خلافت بنی‌عباس ناراحت بودند و می‌گفتند ما از رنج امویان و مروانیان نجات یافتیم و گرفتار رنج آل‌عباس شدیم.

آزار و اذیت شیعیان به وسیله بنی‌عباس در بعضی شهرها بسیار شدید و ظالمانه بود و داغ کردن پیشانی شیعه یکی از اقسام شکنجه‌ها بود.

سایر پیروان مذاهب و گروه‌های مختلف اسلامی نیز با قلم و زبان و در برخی موارد با شمشیر به جان یکدیگر افتاده خون یکدیگر را می‌ریختند. اختلاف فکری و تعصب و جهالت در موارد بسیاری به جنگ و خون‌ریزی منجر می‌شد.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی (از علمای بزرگ قرن ششم) در کتاب خود می‌نویسد: در آن روزگار شیعیانی بودند که در کوچه و بازار حرکت می‌کردند و قصائدی در مدح و منقبت اهل بیت و ائمه هدی به خصوص امیرالمومنین علی(ع) با صدای بلند می‌خواندند که به آنان «مناقب‌خوان» می‌گفتند ولی بنی‌عباس آنها را سرکوب می‌کردند و حتی زبان آنها را می‌بریدند.

آشکار سازی شعارهای شیعه

قبل از آل‌بویه، شعارهای شیعه علنی

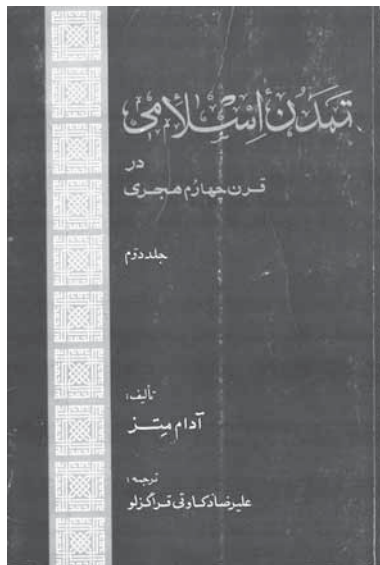


گسترش فعالیت‌های علنی خود بهره‌مند شدند. از سوی دیگر آل‌بویه از شرایط مساعدی که در پرتو تبیین و تشریح عقاید شیعه به وسیله عالمانی مانند شیخ مفید و سید رضی به وجود آمد به عنوان پشتوانه معنوی و عقیدتی حکومت خود استفاده کردند.

باید دانست که گسترش اعتزال نیز در گسترش تشیع تاثیر داشت، چرا که معتزله از علویان حمایت می‌کردند و وجود قرابت‌های فکری بین شیعه و معتزله همچون عدل‌گرایی شیعه و عقل‌گرایی معتزله جریان امر را تسریع می‌کرد.

ابقای خلیفه عباسی

امیران و سرداران ترک هر گاه یکی از خلفای عباسی را می‌کشتند و یا عزل می‌کردند بی‌درنگ یکی از افراد همین خاندان را به جای خلیفه سابق برمی‌گماشتند طوری که دستگاه خلافت حتی یک روز هم بی‌خلیفه نمی‌ماند. در مواقعی هم که قصد عزل خلیفه را نداشتند. به جنگ خلیفه می‌آمدند، او را شکست می‌دادند و سپس با او بیعت می‌کردند و خود را فرمانبردار دستگاه خلافت معرفی می‌نمودند، مثلاً عضدالدوله دیلمی با این



از این سفرهای زیارتی بارها برای تثبیت و استقرار بخشیدن مذهب شیعه بهره جستند. ۶. تشکیل مجالس مذهبی، اعم از روضه‌خوانی و مجالس جشن و سرور ۷. تجلیل از بزرگان شیعه همانند شیخ صدوق، شیخ مفید و ... ۸. تجلیل از احفاد علی (ع) و احترام به علویان.

علل و عوامل ترویج تشیع

در قرن‌های سوم و چهارم ظهور نهضت اسماعیلیه در قلمرو خلافت اسلامی و نیز خیزش‌های استقلال طلبانه در پاره‌ای از سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران، به افول قدرت خلافت انجامید. در عین حال، قرن چهارم، قرن آزادی عقاید و آرا بود و شیعیان توانستند با استفاده از این شرایط راه خود را برای تجلی میان طرق دیگر انتخاب کنند. در قرن چهارم، چهار دولت شیعی پا به صحنه گذاشتند: دولت زیدیان در یمن، دولت حمدانیان در شام (سوریه) دولت آل‌بویه در ایران و دولت فاطمیان در مصر. در واقع سرکوبی‌های شدید شیعیان در دهه‌های قبل نتیجه معکوس داده بود و نه فقط به محو مذهب تشیع نینجامید، بلکه به پیدایش فرقه‌های شیعی دیگر نیز در قرن چهارم منجر گردید.

آشفته‌گی اوضاع سیاسی و کشاکش‌های حکومت‌های رقیب با یکدیگر موجب به قدرت رسیدن آل‌بویه شد و آل‌بویه توانستند بدون تراحم، به ترویج عقاید شیعی بپردازند. علمای بزرگ شیعی نیز از آن فرصت نادر بهره جستند و به پدیدآوردن آثار مهمی در زمینه معارف شیعی پرداختند.

آل‌بویه از بستر مساعدی که علویان طبرستان در قرن سوم ایجاد کرده بودند و همچنین از جاذبه معنوی و وجاهت علویان به سود مقاصد خویش بهره‌ها بردند. عالمان شیعه از آزادی نسبی پدیدآمده و بهره‌گیری از حمایت سیاسی آل‌بویه، برای

که شیعی مذهب بود و خلفای عباسی را غاصب مقام خلافت می‌دانست و همه نوع قدرت و نفوذ هم داشت وقتی بر بغداد استیلا یافت دارالخلافه و دیگر عمارات وابستگان خلیفه را تعمیر کرد و در اکرام و اعزاز خلیفه بسیار کوشید.

منابع

۱. زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر چاپ چهارم، سال ۱۳۷۳
۲. آدام، متز: تمدن اسلامی در قرن چهارم، جلد اول، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکوزلو، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۶
۳. ابن اثیر عزالدین: کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، برگردان: حمیدرضا آزیز، چاپ اول، جلد ۱۲، سال ۱۳۸۳، انتشارات اساطیر
۴. جعفری، سید حسین محمد: تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه دکتر سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، چاپ ششم، سال ۱۳۷۲
۵. خسروی، محمدعلی: شیخ صدوق (ره)، چاپ اول سال ۱۳۷۰ انتشارات اسوه
۶. زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ هشتم سال ۱۳۷۳ چاپخانه سپهر تهران
۷. دایره‌المعارف تشیع: (سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع)، چاپ اول سال ۱۳۷۳، نشر سعید محبی تهران
۸. برتولد اشپولر: ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد اول، ترجمه جواد فلاطوری، شرکت انتشارات علمی تهران ۱۳۶۹
۹. طباطبایی، علامه فقید سید محمد حسین: شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم